

مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در روایات اهل سنت

حسین منافی^۱

عزالدین رضانزاد^۲

چکیده

بدون تردید مرجعیت علمی، یعنی تبیین و تفسیر آیات مبهم و متشابه و بیان معارف و احکامی که به روشنی و صراحت در قرآن کریم نیامده، مانع برداشت نادرست و نزاع علمی در میان مسلمانان است. این امر از شئون و وظایف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که پس از ایشان به اهل بیت علیهم السلام واگذار شد. یکی از ادله مهم این مسئله که در منابع روایی اهل سنت نیز به آن پرداخت شده، روایات نبوی مورد پذیرش اهل سنت است. ایشان معتقدند اگر چیزی با سنت نبوی که در رأس آن سخنان رسول خداست اثبات شده باشد، حجت و معتبر است. احادیثی مانند ثقلین، مدینه العلم و سفینه نوح از جمله روایات بیان کننده مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام است که در این نوشتار با روش تحقیق تحلیلی - توصیفی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، چگونگی دلالت آنها بر مرجعیت علمی عترت پیامبر صلی الله علیه و آله با تکیه بر منابع مکتوب اهل سنت بررسی شده است. در این جستار این نتیجه به دست آمده است که پاره‌ای از این احادیث تنها در مورد حضرت علی علیه السلام وارد شده است، اما از آنجا که علم آن حضرت بعد از ایشان به دیگر امامان منتقل شده است، این شأن شامل دیگر معصومین علیهم السلام نیز خواهد شد.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی، اهل بیت علیهم السلام، اهل سنت، حدیث، روایت.

۱. دانش پژوه سطح چهار مطالعات اسلامی مؤسسه بین المللی مطالعات اسلامی، مدرس حوزه، hosein.manaf@gmail.com

۲. دانشیار گروه کلام جامعه المصطفی العالمیه صلی الله علیه و آله.

مقدمه

از امور مهم در میان مسلمانان، مسئله مرجعیت علمی بعد از رسول خدا ﷺ است؛ یعنی بعد از آن حضرت، مسلمانان برای فهم درست تفسیر قرآن، سنت نبوی ﷺ، قضاوت و فرایض دینی باید به چه کسانی مراجعه کنند و اعلم افراد برای پاسخگویی در این زمینه‌ها کیست؟ از آنجایی که احادیث نقل شده در این موضوع از طریق شیعه، متواتر است و علمای شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند، این مقاله می‌کوشد مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ را با توجه به احادیثی که از طریق اهل سنت وارد شده و برخی از آنها در حد تواتر است را اثبات کند.

سنت نبوی از نظر علمای اهل سنت حجت است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۹۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۳۶؛ ابن قتیبه، بی تا، ص ۱۱۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲۶۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۸۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۷۸). با توجه به اینکه بیشتر اهل سنت مرجع علمی بعد از رسول خدا ﷺ را صحابه آن حضرت می‌دانند، در این نوشتار روشن خواهد شد که این باور برخلاف روایات نقل شده در جوامع حدیثی اهل سنت است و برخی احادیث مانند ثقلین از طریق بیش از سی تن از صحابه نقل شده است. در باب اثبات مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ با توجه به احادیث نقل شده از طریق اهل سنت، پژوهش‌های مؤثری مانند کتاب حدیث ثقلین اثر وشنوه‌ای و واعظ زاده خراسانی، «المرجعیه فی ضوء حدیث الثقلین نگاشته سید رضی الحسینی و مقاله «مبانی مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ رسول خدا ﷺ از دیدگاه اهل سنت» نوشته محسن رفیعی و معصومه شریفی صورت گرفته است، اما بیشتر این پژوهش‌ها یا تنها ناظر به حدیث ثقلین است یا همه احادیث منقول از رسول خدا ﷺ را در این زمینه نیآورده‌اند. این جستار کوشیده است همه احادیثی که در این زمینه از طریق اهل سنت از خاتم انبیاء ﷺ نقل شده است را بررسی کند. با این حال احادیثی مانند حدیث سفینه و امان که مفسر یکدیگرند نیز مورد توجه قرار گرفته است. در عین حال برخی تقریرات که در اثبات این مسئله از حدیث ثقلین آمده در این نگاشته با رویکردی جدید با روش تحقیق تحلیلی - توصیفی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای مورد واکاوی قرار گرفته است.

یادکردنی است که برخی احادیث دال بر مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ متواتر و برخی مستفیض هستند که با طرق مختلف و به واسطه شماری از صحابه رسول خدا ﷺ نقل شده‌اند و برخی نیز در

منابع متعدد اهل سنت و به واسطه یک صحابی نقل شده‌اند که در این مقاله این روایات بر پایه تفاسیر اهل سنت آمده است و به این پرسش پاسخ داده شده است که آیا با استناد به احادیث نبوی پذیرفته نزد اهل سنت، می‌توان مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام را از طریق مرجعیت سیاسی اثبات کرد یا خیر؟ اینک به بررسی روایات در دو بخش متواتر و غیر متواتر پرداخته می‌شود.

۱. احادیث متواتر نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام

در اینجا سه حدیث متواتر لفظی و معنوی ثقلین، سفینه نوح و مدینه العلم که ناظر به مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام است بررسی می‌شود.

۱،۱. حدیث ثقلین

حدیث ثقلین، از جمله احادیث متواتر و معتبر در نزد شیعه و اهل سنت است که نقل‌های متعدد آن نشان‌دهنده صدور این روایت در مکان‌ها و زمان‌های مختلف از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است (قندوزی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۰؛ شرف الدین، ۱۴۲۲ق، ص ۷۰). ابن حجر می‌گوید: «حدیث ثقلین راویان بسیاری دارد و بیش از بیست صحابی این حدیث را نقل کرده‌اند» (ابن حجر، ۱۳۱۲ق، ص ۸۹). در اینجا برخی از نقل‌های حدیث ثقلین و سپس دلالت این احادیث بر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام خواهد آمد.

ترمذی به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری آورده است:

«رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فِي حَجَّتِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ الْقَصْوَاءِ يَخْطُبُ فَمَسِعَتْهُ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي (ترمذی، ۱۳۵۹ق، ج ۵، ص ۶۲۱)؛

در حجة الوداع، روز عرفه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دیدم که بر شتری سوار بود و خطبه می‌خواند. شنیدم که حضرت می‌فرمود: من در میان شما دو چیز می‌گذارم که اگر به آن تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم.»

عبدالله بن حنبل به سند خود از ابوسعید خدری از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این گونه نقل می‌کند:

«إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَبْلٌ مَدُودٌ مِنْ

السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۴)؛

من در میان شما دو جانشین باقی می‌گذارم؛ کتاب خدا که ریسمانی است میان آسمان و زمین یا از آسمان به زمین و اهل بیتم. آن دو از همدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند».

حاکم نیشابوری نیز به سند خود از زید بن أرقم از رسول اکرم ﷺ نقل کرده است که رسول خدا ﷺ در غدیر خم پس از حمد و ثنای الهی و بیان برخی مطالب فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا إِنِ اتَّبَعْتُمُوهُمَا وَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ وَ أَهْلُ بَيْتِي عِترَتِي...» ای مردم دو چیز در میان شما باقی می‌گذارم که اگر از آنها پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو عبارتند از کتاب خدا و اهل بیتم» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۱۸).

این حجر هیثمی نیز پس از نقل این حدیث می‌گوید:

«طبری افزوده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: من این مقام (گمراه نشدن پیروان ثقلین) را برای شما از پیشگاه الهی خواسته‌ام، پس از آنها جلو نیفتید که هلاک می‌شوید و از آنها عقب هم نمانید که هلاک می‌شوید، به آنها چیزی یاد ندهید، چون آنها داناتر از شما هستند» (ابن حجر، ۱۳۱۲ق، ص ۸۹).

هرچند نقل‌های مختلف متفاوتند، اما دست کم یکی از الفاظ حدیث ثقلین در نقل‌های متعدد آمده است؛ کلماتی مانند: «ثقلین، أخذوا بهم و تمسک». «ثقل» به هر چیز نفیس، مهم و گران قیمت گفته می‌شود، قرآن و اهل بیت ﷺ نیز از این دسته‌اند؛ چون هر کدام از آن دو معدن علوم لدنیه و اسرار و حکمت‌های الهی و احکام شرعیه هستند. از این رو پیامبر خدا ﷺ مردم را بر پیروی از آن دو تأکید کرده است (همان، ص ۹۰). در برخی نقل‌ها نیز که عبارت «إِن أَخَذْتُمْ بِهِ» آمده است، گفته‌اند مراد از «أخذ» ملزم شدن به محبت آنها و نگه داشتن حرمتشان و عمل به روایت و اعتماد به سخنان آنهاست (قاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۳۹۷۴). لفظ دیگری که بر این معنی دلالت دارد، «تمسک» است. ملا علی قاری از ابن‌الملک آورده است که معنی تمسک به عترت، یعنی آنها را دوست بداریم و به هدایت و سیره آنها توجه کنیم تا هدایت یابیم. سید جمال‌الدین بر آن افزوده است: این زمانی است که عمل

و سیره آنها مخالف با دین نباشد. ملا علی قاری در جواب می‌گوید: در بیان رسول خدا ﷺ که به طور مطلق فرموده است به آنها تمسک بجوید، دلالت دارد بر اینکه هر کس که در حقیقت از اهل بیت پیامبر ﷺ باشد، نحوه هدایت و روشش مطابق با شریعت و دین خواهد بود (همان).

در برخی نقل‌های حدیث ثقلین، تبعیت و پیروی از اهل بیت ﷺ به صراحت آمده است؛ مانند نقلی که از حاکم نیشابوری بیان شد و ابن حجر عسقلانی به صحت آن تصریح کرده است. (ر.ک: نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۱۸؛ ابن حجر، ۱۳۱۲ق، ص ۸۹)

بنابراین در حدیث شریف ثقلین، رسول خدا ﷺ امت خود را به محبت اهل بیت ﷺ و عمل به سیره و روش آنان و اعتماد به سخنان آنها توصیه می‌کند و اطلاق این حدیث در پیروی از آن بزرگواران، نشانگر این است که اعمال، سخنان و سیره اهل بیت ﷺ انطباق کامل با آموزه‌های قرآن دارد.

۱،۲. حدیث سفینه نوح

روایت دیگری که دلالت بر مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ دارد و مکمل و مؤید حدیث ثقلین است، حدیث سفینه است. این حدیث توسط جماعت بسیاری از اهل سنت نقل شده است. حاکم نیشابوری به سند خود، از حنش کنانی آورده است که صدای اباذرها در حالی که درب کعبه را گرفته بود شنیدم که می‌گفت:

«من عرفني فأنا من عرفني ومن أنكرني فأنا أبوذر سمعت النبي يقول: ألا إن مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من قومها من ركبها نجا ومن تخلف عنها غرق (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۶۳؛ قندوزی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۷؛ قاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۹۸۸؛ ابن مغزالی، ۱۴۰۲، ص ۱۳۲)؛

هر کس که مرا می‌شناسد، (بداند که) من همان کسی هستم که می‌شناسد و هر کس مرا نمی‌شناسد: من ابوذر. از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: مثل اهل بیت ﷺ من در میان شما همانند کشتی نوح در میان قوم نوح است؛ هر کس سوار بر آن شود

۱. طبری این حدیث را از ابن عباس نقل کرده و به جای «و بعد از من ركبها نجا»، عبارت «و من تعلق بها فاز» را آورده است (طبری، ۱۳۵۶، ص ۲۰).





نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند غرق شود».

اینکه ابوذر می‌گوید: «سمعت النبی یقول» دلالت بر بیان این حدیث به طور مکرر دارد؛ چون با فعل مضارع که بر استمرار دلالت دارد، آمده است.

ابن حجر می‌گوید: حدیث سفینه از طرق متعددی رسیده است که برخی از آنها برخی دیگر را تقویت می‌کند. سپس حدیث را چنین نقل می‌کند:

«إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَفِي رِوَايَةٍ مُسْلِمٍ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَفِي رِوَايَةٍ هَلَكَ وَإِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ غُفِرَ لَهُ وَفِي رِوَايَةٍ غُفِرَ لَهُ الذَّنُوبُ (ابن حجر، ۱۳۱۲ق، ص ۹۱؛ سمهودی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۶۱؛ طبری، ۱۳۵۶ق، ص ۲۰؛ جوینی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۴؛ گنجی شافعی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷۸)؛ همانا مثل اهل بیتم در بین شما همانند کشتی نوح است که هر کس سوار بر آن شود نجات یابد و هر کس تخلف کند غرق شود (در روایت دیگری هلاک شود) و در بیان دیگری آمده است: همانا مثل اهل بیتم در میان شما همانند باب حطه در میان بنی اسرائیل است که هر کس از آن داخل شود، بخشیده شود».

با توجه به توصیه رسول خدا ﷺ برای تمسک به ثقلین، با این تمسک نجات حاصل می‌شود، به این طریق که توجه کردن به ارشادات و محاسن اخلاق و رفتاری اهل بیت علیهم‌السلام موجب نجات است و هر کس که پیرو اهل بیت علیهم‌السلام باشد از ظلمت نجات خواهد یافت و هر کس که با آنها مخالفت کند، غرق در دریای کفر و امواج طغیان خواهد شد که نتیجه آن آتش دوزخ است (سمهودی، ۱۴۱۵، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ ابن حجر، ۱۳۱۲ق، ص ۹۳).

ملا علی قاری نیز می‌گوید:

«اهل بیت علیهم‌السلام سبب رهایی از هلاکت و وسیله نجات هستند. بنابراین هر کس مقید به دوست داشتن آنها و پیروی از ایشان باشد، در دنیا و آخرت نجات خواهد یافت و در غیر این صورت در هر دو بدبخت خواهد شد؛ هر چند دارای مال یا مقام بزرگی باشد» (قاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۹۸۸).

حاکم در مستدرک، حدیثی به سند خود از ابن عباس نقل می‌کند که مفسر حدیث سفینه است. رسول

خدا ﷺ می فرماید:

«النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق و أهل بيتي أمان لأمتي من الإختلاف فإذا خالفتها أمة من العرب إختلفوا و صاروا حزب إبليس (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۶۳: ابن حنبل، ۱۴۲۵ق، ص ۱۸۱؛ طبری، ۱۳۵۶ق، ص ۱۷؛ ابن حجر، ۱۳۱۲ق، ص ۱۴۰):

ستاره ها وسیله ایمنی برای اهل زمین هستند تا غرق نشوند و اهل بیتم وسیله ایمنی برای امت من از اختلاف هستند. پس هرگاه قبیله ای از عرب با آنها مخالفت کند، بین خود آنها اختلاف افتاده و حزب شیطان خواهند شد.»

همان گونه که در تاریکی شب نور ستاره ها موجب پیدا کردن راه و عدم سقوط در مسیرهای ناهموار و خطرناک می شود، تمسک به سیره اهل بیت ﷺ و قدم برداشتن در مسیری که به آن هدایت می کنند، موجب نجات از تاریکی های گمراهی خواهد شد.

ابوذر غفاری حدیث ثقلین و سفینه را در کنار خانه خدا باهم نقل کرده است که نشان دهنده اهمیت این دو حدیث و لزوم پیروی همه مسلمانان از اهل بیت ﷺ است. از وی نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ، وَيَقُولُ: مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ غُفِرَ لَهُ وَيَقُولُ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعَتَرْتِي وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» (قندوزی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۸).

بنابراین هر کس در دین به اهل بیت ﷺ پناه برد و اصول و فروع دینش را از ائمه ﷺ فرا بگیرد، از عذاب جهنم نجات خواهد یافت و هر کس از آنها تخلف کند، مانند کسی است که در روز طوفان نوح به بلندی پناه برد تا او را از عذاب الهی حفظ کند، اما غرق شد و به هلاکت رسید. کسی که از اهل بیت ﷺ روی گرداند در عذاب جهنم خواهد بود (شرف الدین، ۱۴۲۲، ص ۷۹).

۱،۳. حدیث مدینه علم

این حدیث که در منابع مهم اهل سنت از صحابه ای چون ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری





نقل شده است، صراحت در مرجعیت علمی امام علی علیه السلام دارد.

حدیث مدینه علم به دو صورت روایت شده که البته صورت اول مشهورتر است. ابن عباس و جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند که فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَتَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ أَوْ فَلْيَأْتِ بَابَهُ أَوْ فَلْيَأْتِ مِنَ الْبَابِ أَوْ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا؛ من شهر علم هستم و علی دروازه آن است، پس هر کس که اراده آن شهر را نموده است باید از دروازه آن وارد شود» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۶-۱۳۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۰۰ و ص ۶۱۴؛ خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۹؛ عینی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۱، ص ۴۴۳؛ جوینی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۹۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۹۷؛ قندوزی، ۱۳۸۵ق، ص ۶۵؛ گنجی شافعی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۰؛ ابن مغازلی، ۱۴۰۲ق، ص ۸۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۰۵؛ سهمی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۰؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲، ص ۳۴؛ زینی دحلان، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۴۵۳). در طریقی دیگر، ترمذی به سند خود از امام علی علیه السلام نقل می‌کند: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أنا دارالحكمة و علی بابها؛ من خانه حکمتم و علی در آن است» (ترمذی، ۱۳۵۹ق، ج ۵، ابن شهر آشوب، بی تا، ص ۵۹۶؛ طبری، ۱۳۵۶ق، ص ۷۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۰۰).

۱,۳,۱ دلالت حدیث

گنجی شافعی در توضیح این حدیث آورده است:

«فأنا مدينة العلم في الأوامر والنواهي و في السلم و الحرب... و علی بن أبي طالب بابها... فقد قال العلماء من الصحابة و التابعين و أهل بيته بتفضيل علی علیه السلام و زيادة علمه و غزارته وحدة فهمه و وفور حکمته، و حسن قضایاه، و صحة فتواه، و قد كان أبوبکر و عمرو عثمان و غیرهم من علماء الصحابة يشاورونه في الأحكام و يأخذون بقوله في النقص و الإبرام اعترافاً منهم بعلمه و وفور فضله و رجاحة عقله و صحة حکمه (گنجی شافعی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۳)؛

من شهر علم در اوامر و نواهی (الهی) و صلح و جنگ (احکامشان) هستم و علی دروازه آن است. علمای صحابه، تابعین و اهل بیت علیهم السلام به برتری علی علیه السلام، زیادی علم، تیزفهمی، گستردگی حکمت، حسن داوری و درستی فتوهایش شهادت داده‌اند و

ابوبکر و عمر و عثمان و غیر آنها از علمای صحابه در احکام با آن حضرت مشورت می‌کردند و نظر او را در رد و یا تایید یک حکم می‌پذیرفتند؛ به خاطر اعترافی که بر علم ایشان و کثرت فضل، کمال عقل و درستی حکمش داشتند».

فضل بن روزبهان نیز می‌گوید: این حدیث دلالت بر علم زیاد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و آمادگی سریع او در پاسخ به پرسش‌های نوپدید و اطلاع او بر علوم و معارف مختلف دارد که همه اینها مسلم و قطعی است (مظفر، ۱۳۹۶ق، ج ۶، ص ۱۷۳).

۱،۳،۲. احادیث مشابه

احادیث دیگری از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صادر شده‌اند که دارای مضامینی همچون مضمون حدیث مورد بحث بوده و در عین حال دلالت بر مرجعیت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دارند. در اینجا بخشی از این احادیث را با توضیحاتی که علما درباره آنها داده‌اند ذکر می‌کنیم.

الف) ابوذر از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که فرمود: «عَلِيُّ بَابُ عِلْمِي وَ مُبَيِّنُ لَأُمَّتِي مَا أُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعْدِي؛ علی دروازه علم من است و پس از من برای اتمم بیان می‌کند آنچه را که به خاطر آن مبعوث شده‌ام» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۱۴، ح ۳۲۹۸۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۵۲).

این حدیث، دلالت صریح بر مرجعیت علمی امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای امت اسلام دارد؛ چون دروازه علم و جمله «ما أُرْسِلْتُ بِهِ» نشانگر آن است که مرجعیت علمی او در همه مسائل و علوم دینی اعم از اصول و فروع است که بیشتر نیز بعضی از علما بیان کرده بودند.

ب) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرمایند: «أَنْتَ مَنِّي وَأَنَا مِنْكَ؛ تو از من هستی و من هم از تو هستم» (صنعانی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۲۷؛ نسائی، ۱۴۱۹، ص ۹۹، ج ۶۹ و ۷۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۱۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۳۴۱؛ عینی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۴۴۱).

علامه بدرالدین عینی در توضیح این حدیث می‌گوید: ضمیر «من» در اینجا اتصالیه است؛ یعنی «أنت متصل بی»، یا علی تو متصل به من هستی و مقصود، اتصال از نظر نبوت نیست، بلکه از نظر علم، قرب و نسب است. منظور از حدیث منزلت نیز همین معنی است (عینی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۴۴۱).

طبق این حدیث که بخاری در صحیح خود آورده است، علم علی عَلَيْهِ السَّلَامُ متصل به علم نبی مکرم



اسلام ﷺ است و از علم وی نشأت می‌گیرد. پس وقتی همه مسلمان‌ها قبول دارند که مفسر و مبین دین و قرآن، حضرت رسول ﷺ بوده‌اند، بعد از ایشان نیز کسی باید باشد که علمش متصل به علم اوست. (ج) حضرت خطاب به صدیقه کبری (س) می‌فرماید: **أَوْ مَا تَرْضَيْنَ أَيْ زَوْجَتِكَ أَقَدَمَ أُمَّتِي سِلْمًا، وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا، وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا؛** آیا خشنود نمی‌شوی از اینکه من تو را به ازدواج کسی درآوردم که اولین فرد امتم در اختیار اسلام بوده، از حیث علم بیشتر از همه آنها علم دارد و در حلم بالاتر از همه آنهاست؟ (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۸۸؛ صنعانی، بی تا، ج ۵، ص ۴۹۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۰۵؛ طبرانی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۸۰).

(د) رسول خدا ﷺ فرمودند: **«عَلَى عَيْبَةٍ عِلْمِي؛** علی صندوق علم من است» (خطیب، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۸).
 (ه) پیامبر ﷺ فرمودند: **«أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛** عالم‌ترین امت پس از من، علی بن ابی طالب است» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۱۴).

اینها از شواهدی است که در کنار حدیث مدینه علم، برتری علمی امیرالمؤمنین علی عليه السلام را بر سایر صحابه ثابت می‌کند و نشان می‌دهد علمی که پیامبر عليه السلام داشته‌اند به ایشان رسیده است. در عین حال ضمن آن که با صراحت بر مرجعیت علمی امام علی عليه السلام دلالت دارند، نشان می‌دهند که امت اسلامی بعد از رسول خدا عليه السلام در اصول و فروع دین باید به او و روش و سیره‌اش مراجعه کنند و احکام و عقاید صحیح را یاد گیرند.

۲. روایات غیر متواتر

در اینجا روایاتی را که از طرق صحیح و معتبر به دست ما رسیده و در منابع معتبر اهل سنت نقل شده بیان خواهیم کرد، هرچند این روایات به تواتر نمی‌رسند.

احادیث وراثت علم

سخن در این است که بعد از پیامبر عليه السلام وارث علم او چه کسی است؟ احادیث موجود بر این دلالت دارند که وارث این علم علی بن ابی طالب عليه السلام است، البته در منابع مربوط به شیعه، احادیث زیادی نقل شده است مبنی بر اینکه اهل بیت عليهم السلام وارث علم پیامبر عليه السلام هستند و آنچه بیان می‌کنند

از رسول خدا ﷺ به ایشان رسیده است (صفار، ۱۴۱۴، ج ۶، باب ۱ و ۱۲، ص ۲۹۴)، ولی چون قصد داریم تنها با توجه به احادیث منقول در کتب معتبر نزد اهل سنت این مسئله را بیان کنیم، از مرور احادیث شیعه صرف نظر می‌کنیم. این احادیث به شرح ذیل است.

یک. روایت ابن عباس

حاکم نیشابوری به سند خود از ابواسحاق نقل می‌کند: «سألت قثم بن العباس کیف ورث علی رسول الله دونکم؟ قال: لانه کان اولنا به لحوقا و أشدنا به لزوقا؛ ابواسحاق می‌گوید: از قثم بن عباس پرسیدم: چطور علی از رسول خدا ﷺ ارث برد ولی شما نبردید؟ [چون قثم نیز مانند امیرالمومنین پسرعموی پیامبر ﷺ بود] گفت: چون علی ﷺ اولین کسی از ما بود که به او پیوست و ایمان و ارتباطش با او بیشتر از همه ما بود» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۴، ح ۱۰۸ و ۱۰۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۶).

نسائی به سند خود از ابن عباس نقل می‌کند که علی ﷺ در زمان حیات رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «والله انی لأخوه و ولیه و وارثه و ابن عمه، و من أحق به منی؟» به خدا سوگند: من برادر، دوست، وارث و پسرعموی رسول خدا ﷺ هستم؛ چه کسی به او نزد نزدیکتر و اولی تر از من است؟» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ص ۹۶، ح ۶۴؛ حاکم، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۶).

حاکم نیشابوری از اسماعیل بن اسحاق نقل می‌کند که برای او سخن قثم نقل شد و او گفت: «وارث به دو چیز می‌تواند از دیگری ارث ببرد: یا نسب (خویشاوندی) و یا بر اساس قرارداد و معاهده. در میان اهل علم نیز اجماع دارند بر اینکه با وجود عمو، پسرعمو ارث نمی‌برد [بعد از پیامبر عمویش عباس هنوز زنده بود] و با این اتفاق نظر، مشخص می‌شود که آن حضرت علم را از پیامبر ﷺ ارث برده است» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۶).

نسائی نیز به سند خود از ربیعۀ بن ناجد نقل می‌کند:

«مردی از امیرالمومنین علی ﷺ پرسید: چطور تو از پسرعمویت ارث بردی و عمویت ارث نبرد؟ حضرت فرمود: رسول خدا ﷺ فرزندان عبدالمطلب را دعوت کرد و برای آنها طعامی آماده نمود. پس از صرف غذا فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب، کدام یک از شما با من بیعت می‌کند تا برادر، دوست، وارث و وزیر من باشد؟ ولی کسی حاضر



نشد با آن حضرت بیعت کند و من که از همه حاضران کم سن تر بودم ایستادم و اعلام آمادگی کردم. حضرت سه بار این کلام را تکرار کرد و در هر سه بار من ایستادم و به خواسته ایشان لبیک گفتم. در بار سوم حضرت با دستش به دست من زد و فرمود: تو برادر، دوست، وارث و وزیر منی. از این رو من از پسرعمویم ارث بردم و عمویم نبرد (نسائی، ۱۴۱۹، ص ۹۷-۹۸، ج ۶۵).

در این حدیث از آنجا که تنها علی عَلَيْهِ السَّلَام اعلام می‌کند که آماده بیعت با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، گویا در این فرمایش منظور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این نیست که مال و اموال را از من به ارث ببرد، بلکه مراد، ارث بردن رسالتی است که خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده‌اند و لازمه آن ارث بردن، علم و شئونات ایشان نیز هست و به همین خاطر بود که کسی جرأت نمی‌کرد اعلام بیعت کند تا در این مسیر سخت، ادامه‌دهنده راه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ملازم او باشد. نکته دیگر اینکه اگر مراد، ارث بردن مال و اموال و دارایی‌ها باشد، دیگر نیازی به اعلام نیست؛ چون وارث در همان شرعی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده‌اند مشخص است و در این صورت کلام ایشان لغو خواهد بود.

پس با توجه به احادیث فوق مشخص می‌شود که وارث علم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی عَلَيْهِ السَّلَام است و واضح است که با بودن وارث علم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رجوع به دیگران برای فهم و درک دین امری نامعقول و نادرست است.

دو. روایت عمار یاسر

از عمار یاسر و ابویوب انصاری نقل شده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«يَا عَمَّارُ إِن رَأَيْتَ عَلِيًّا قَدْ سَلَكَ وَاوِيَاءَ وَ سَلَكَ النَّاسَ وَاوِيَاءَ غَيْرِهِ فَأَسْأَلُكَ مَعَ عَلِيٍّ وَدَعِ النَّاسَ، إِنَّهُ لَن يَدُلَّكَ عَلَى رَدِيٍّ وَ لَن يُخْرِجَكَ مِنَ الْهُدَى (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۸۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۴، ص ۴۷۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۱۳-۶۱۴؛ سمهودی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱۴۱)»

ای عمار، اگر دیدی علی عَلَيْهِ السَّلَام در یک مسیر حرکت می‌کند و سایر مردم در مسیر دیگری قدم برمی‌دارند، با علی عَلَيْهِ السَّلَام حرکت کن و مردم را رها کن؛ چون او تو را به گمراهی نمی‌کشاند و از هدایت باز نمی‌دارد».



در بیان کرده است و با وجود آنکه در حدیث آمده است که «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 در بیان کرده است و با وجود آنکه در حدیث آمده است که «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»

در حدیث آمده است که «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»

حدیثی در باب بیعت با اهل بیت

در حدیث آمده است که «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»

در حدیث آمده است که «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»

در حدیث آمده است که «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»

«بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»

در حدیث آمده است که «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»

حدیثی در باب بیعت با اهل بیت

در حدیث آمده است که «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»
 «بیت علی در آیه ۲۴ سوره آل عمران»

عالم به علم فرائض، کتاب و سنت، کتابت، حلال و حرام باشد و در عین حال صریح در گفتار[صادق
اللّهجة] باشد (گنجی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۶).

پنج. روایت سفیان ثوری

سفیان ثوری در حدیثی با سلسله سند خود از حذیفه و او از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود:
«إن تستخلفوا علیا و ما أراکم فاعلین تجوده هادیا مهدیا یحکم علی المحجة البیضاء؛ اگر بعد از من
علی علیه السلام را به عنوان خلیفه بپذیرید که نخواهید پذیرفت، او را هدایت‌کننده و هدایت‌شده خواهید
یافت که بر اساس روش و طریق راست و مستقیم حکم می‌کند» (ابونعیم، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۹۷؛ ابن
عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۲، ص ۴۲۰-۴۲۱ و ۴۱۹ و ج ۴۴، ص ۲۳۵-۲۳۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۶۱؛ متقی
هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۳۱).

این حدیث شریف که محدثانی چون نعمان بن ابی شیبّه و عبدالرزاق بن همام صنعانی (ابن
عساکر، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۲۳۵ و ج ۴۲، ص ۴۲۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۷،
ص ۳۶۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۸۲) از محدثان موثق در نزد اهل سنت نقل کرده‌اند، دلالت صریح
بر این دارد که مسیر مشی و هدایت علی علیه السلام، راه درست و صراط مستقیم است.

هرچند این احادیث در مورد مرجعیت علمی علی علیه السلام هستند، اما از آنجا که علم آن حضرت طبق
همان احادیث وراثت، بعد از ایشان به سایر اهل بیت علیهم السلام می‌رسد، شامل سایر حضرات معصومین علیهم السلام
نیز خواهد شد.

شش. روایت عایشه

عایشه همسر رسول خدا ﷺ با وجود آنکه جنگ جمل را به راه انداخت، به فضیلت و برتری
علمی علی علیه السلام اعتراف کرده است و می‌گوید: «علی اعلم الناس بالسنة؛ علی داناترین مردم به سنت
رسول خدا ﷺ است» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۰۶؛ شیرازی شافعی، بی تا، ص ۲۳، طبری، ۱۳۷۳ق،
ج ۳، ص ۱۴۱؛ طبری، ۱۳۵۶ق، ص ۷۸؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۲۸).

هفت. روایت انس بن مالک

انس بن مالک می‌گوید:

«از رسول خدا ﷺ سؤال شد: عَمَّن نَكْتُبُ الْعِلْمَ بَعْدَكَ؟ قَالَ عَنِ عَلِيٍّ وَ سَلْمَانَ؛ بعد از



شما از چه کسی علم بیاموزیم؟ فرمود: از علی علیه السلام و سلمان» (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۸؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۶، سهمی، ۱۳۸۷ق، ص ۲۹).

امام باقر علیه السلام مطابق حدیثی از پدران خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که خطاب به علی علیه السلام فرمود: «آنچه بر تو می خوانم بنویس. حضرت عرض کرد: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بر من از فراموشی می ترسی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من بر تو از فراموشی نمی هراسم؛ زیرا برای تو از خدا خواسته ام که تو را حفظ کرده و به فراموشی نیندازد؛ اما برای شرکای خود بنویس. حضرت فرمود به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: شرکای من چه کسانی هستند ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؟ فرمود: امامان از اولاد تو... (صفا، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۶۸).

قندوزی از علمای اهل سنت نیز در این باره آورده است:

«ائمه دوازده گانه شیعه عالم ترین، برترین، باورع و باتقواترین افراد زمان خود بوده اند. بهترین نسب ها و با ارزش ترین جایگاه را در میان مسلمانان دارند. گرامی ترین افراد نزد خداوند هستند. علوم از پدرانشان به آنها رسیده است و آنها نیز از جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله این علوم را به ارث برده اند. در واقع علمشان علم لدنی است و اهل علم و تحقیق اهل بیت علیهم السلام را چنین می شناسند» (قندوزی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۴۶).

نتیجه گیری

با توجه به احادیث متواتر لفظی و معنوی ثقلین، سفینه نوح و مدینه العلم و روایاتی غیرمتواتر چون وراثت علم که از طرق صحیح و معتبر به دست ما رسیده و در مصادر روایی اهل سنت نقل شده است؛ در می یابیم که از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام بیاناتی از طریق صحابه آن حضرت وارد شده است. تفاسیر این احادیث که از کتب معتبر اهل سنت نقل شده است نیز بیانگر آن است که محدثان اهل سنت نیز بر دلالت این اخبار بر مرجعیت دینی و علمی حضرات معصومان علیهم السلام اذعان داشته اند و برای هیچ کس غیر از اهل بیت علیهم السلام، این گونه دلایل معتبر برای مرجعیت و مقام علمی وجود ندارد. بنابراین بهانه ای برای هیچ انسان منصف و بی غرضی در عدم تمسک به سیره و روش اهل بیت علیهم السلام و عمل به سخنان و آرای ایشان در اصول و فروع دین باقی نمی ماند.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، عزالدین، **اسدالغالبه**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن حجرهیثمی، احمد بن بدرالدین مکی، **الصواعق المحرقة**، مصر: چاپ میمنیه، ۱۳۱۲ق.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، **المسند**، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۴. _____، **فضائل اهل البيت من كتاب فضائل الصحابة**، تحقیق: محمدکاظم محمودی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۵ق.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب**، قم: انتشارات علامه، بی تا.
۶. ابن عبدالبرقرطبی، یوسف بن عبدالله، **الاستیعاب فی معرفة الصحابة**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۷. ابن عساکر، علی بن حسن، **تاریخ مدینة دمشق**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۸. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، **غریب القرآن، بی جا، بی تا.**
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **البدایة و النہایة**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۰. ابن مغزلی، علی بن محمد بن محمد واسطی شافعی، **مناقب علی بن ابی طالب**، چاپ دوم، تهران: المكتبة الاسلامیة، ۱۴۰۲ق.
۱۱. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، **حلیة الاولیاء**، تهران: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، **انوار التنزیل و اسرار التاویل**، تحقیق: محمد عبدالرحمان المرعشی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۳. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی، **سنن ترمذی**، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۵۹ق.
۱۴. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، **الکشف والبیان عن تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۵. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، **فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین**، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: موسسه محمودی، ۱۴۰۰ق.
۱۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۱۷. حسکانی، عبیدالله بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۸. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۱۹. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، **سیر اعلام النبلاء**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۲۰. زبئی دحلان، سید احمد، **الفتوحات الاسلامیة بعد مضي الفتوحات الاسلامیة**، قاهره: موسسه الحلبي و شرکاء، ۱۳۸۷ق.
۲۱. سمهودی، نورالدین علی بن عبدالله، **جواهر العقدين**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲۲. سهمی، ابوقاسم حمزه بن یوسف، **تاریخ جرجان**، چاپ دوم، هند: حیدرآباد، ۱۳۸۷ق.
۲۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، **الدر المنثور فی تفسیر الماثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۴. شرف الدین موسوی، عبدالحسین، **المراجعات**، قم: مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۲۲ق.



٢٥. شیرازی، ابواسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف، **طبقات الفقهاء، بیروت: دارالعلم، بی تا.**
٢٦. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ**، تحقیق أحمد کوجه باغی، ج ٦، باب ١٢١، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤١٤ق.
٢٧. صنعانی، ابوبکر بن عبدالرزاق بن همام، **المصنف**، تحقیق حبيب الرحمن اعظمی، بی جا: المجلس العلمی، بی تا.
٢٨. طبرانی، سلیمان بن احمد (م ٣٦٠ق)، **المعجم الكبير**، بیروت: مکتبه الاصله و التراث، ١٤٣١ق.
٢٩. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفه، ١٤١٢ق.
٣٠. طبری، محب الدین، **ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی**، قاهره: مکتبه القدسی، ١٣٥٦ق.
٣١. _____، **الریاض النضره فی مناقب العشره**، چاپ دوم، طنطا: مکتبه اسلامیه، ١٣٧٣ق.
٣٢. عینی، بدرالدین محمد بن احمد، **عمده القارئ فی شرح صحیح البخاری**، تحقیق صدقی جمیل عطار، بیروت: دارالفکر، ١٤٢٢ق.
٣٣. فیروزآبادی، سید مرتضی حسنی، **فضائل الخمسه من الصحاح الستة**، چاپ چهارم، بیروت: موسسه الاعلمی، ١٤٠٢ق.
٣٤. قاری، علی بن سلطان محمد، **مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح**، بیروت: دارالفکر، ١٤٢٢ق.
٣٥. قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لاحکام القرآن**، تهران: ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٣٦. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم حنفی، **ینابیع الموده**، چاپ هشتم، قم: دارالکتب العراقیه، ١٣٨٥ق.
٣٧. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، **کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب**، چاپ سوم، تهران: دار احیاء التراث اهل البيت ﷺ، ١٤٠٤ق.
٣٨. متقی هندی، حسام الدین، **کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال**، بیروت: موسسه الرساله، ١٤٠٩ق.
٣٩. مظفر نجفی، محمد حسن، **دلائل الصدق لنهج الحق**، ج ٦، چاپ دوم، قاهره: دارالمعلم، ١٣٩٦ق.
٤٠. نسائی، احمد بن شعیب، **خصائص امیرالمومنین علی بن ابی طالب ﷺ**، تحقیق محمد کاظم محمودی، بی جا: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ١٤١٩ق.

